میزخبر

نیاز سالانه به استخدام ۱۵هزار پرستار

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه بیش از ۲۷۰ هزار نفر از پرستاران عضو این سازمان بوده و شماره نظام پرستاری دارند، در عین حال گفت: با توجه به افزایش سرانه تخت‌های بیمارستانی در کشور، به استخدام سالانه ۱۵هزار پرستار در کشور نیاز داریم.

به گزارش ایسنا، محمدتقی جهانپور در اولین اجلاس روسای هیئت مدیره‌های نظام پرستاری های سراسر کشور اظهار کرد: هدف از برگزاری این اجلاسیه حضور و دیدار همکاران و استفاده از تجربیات و نقطه نظرات آن ها برای پیشبرد اهداف و توانمندسازی هیات مدیره‌های سراسر کشور است.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با اشاره به سختی کار پرستاران و لزوم توجه ویژه به جامعه پرستاری، افزود: در بحث تقویت جامعه پرستاری نیز بارها از سوی مسئولان عالی‌رتبه کشوری تاکید شده که کمبود نیروی پرستاری و امنیت شغل پرستاری و رفاه و معیشت پرستاری در دستور کار مسئولین باشد.

وی افزود: در دو سال گذشته ۱۶هزار تخت به سرانه تخت‌های بیمارستانی کشور اضافه شده اما متاسفانه در بحث استخدام نیروهای جدید در بدنه نظام سلامت رشد آنچنانی نداشته‌ایم. همچنین در پذیرش نیروی کادر پرستاری در کشور هم رشد چشمگیری وجود نداشته است.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری ادامه داد: ما ۱۵هزار پرستار برای استخدام سالانه نیاز داریم؛ هم اکنون پذیرش دانشجوی پرستاری ۱۰۵۰۰ نفر در مقطع کارشناسی است که تقاضا داریم پذیرش دانشجو در دانشکده‌های پرستاری بیش از گذشته رشد داشته باشد.

وی گفت: امروز سازمان نظام پرستاری دوره ششم متشکل از ۱۵۹ هیئت مدیره در سراسر کشور به همراهی سازمان مرکزی و اعضای شورای عالی در حال خدمت به مردم است و بیش از ۲۷۰ هزار نفر از پرستاران عضو سازمان نظام پرستاری و دارای شماره نظام پرستاری هستند.

جهانپور ادامه داد: یکی دیگر از اهداف سازمان نظام پرستاری در دوره ششم، تقسیم بندی هیئت مدیره های سراسر کشور به ۱۰ منطقه آمایشی است. همچنین خانه‌های پرستار در مناطق مختلف دایر می‌شود و در بحث رفاهی و معیشتی، ارتقای تحصیلی پرستاران نیز برنامه هایی داریم که با همکاری شورای عالی نظام پرستاری، پیش خواهیم رفت.

وی افزود: ۲۰۰ تشخیص پرستاری توسط پرستاران در مراکز درمانی وجود دارد و باید بیش از همیشه قدردان زحمات و تلاش‌های پرستاران باشیم و مشکلات پرستاران را با تمام توان رفع کنیم.

وی گفت: گفتمان و رویکرد دوره ششم سازمان نظام پرستاری، تعامل و همیاری است و اعتقاد داریم اگر با وزارت بهداشت این همکاری ادامه یابد، ارتقای سلامت مردم به همراه کیفیت ارائه خدمات پرستاری رخ خواهد داد. امیدواریم در بحث مطالبات جامعه پرستاری به‌ویژه در موضوع تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری که چالش‌های بسیار زیادی در کشور ایجاد کرده، تغییراتی ایجاد شود. کارگروه‌های متعددی در ششمین دوره نظام پرستاری کشور تشکیل شده و با ایجاد پل‌های درآمدی در جهت رفاه همکاران تلاش می‌کنیم.

جهانپور با اشاره به بازنگری و تدوین آیین نامه های نظام پرستاری، گفت: در جهت قانون جوانی جمعیت نیزگام‌های خوبی برداشته‌ایم و بر اساس مکاتباتی با وزیر بهداشت درخواست شده در بحث کمبود نیروی انسانی کمک کنند. وی ازراه‌اندازی دفترارتقای سلامت جسم پرستاران نیزخبرداد و گفت: جامعه پرستاری به علت سختی کار و شیفت‌های طولانی دچار آسیب می‌شوند؛ به همین دلیل آن ها و خانواده هایشان از بسته‌های مشاوره‌ای و حمایتی برخوردار می‌شوند.

وی ادامه داد: خانه نوجوان نیزایجاد می‌شود تا اقدامات موثری برای جامعه پرستاری ایجاد شود، زیرا حال این جامعه خوب نیست و باید تلاش‌های زیادی برای رفاه آنها انجام شود.

جهانپور تاکید کرد: خانه مجمع خیرین سلامت پرستاری نیز تشکیل شده و از مسئولان خواستیم به ما کمک کنند تا نیروهای پرستاری که دچار بیماری شدند برای درمان آن ها مساعدت هایی شود.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری همچنین نسبت به نحوه اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری از سوی بیمه‌ها انتقاد کرد و گفت: ما از بیمه‌های پایه به شدت گلایه‌مندیم که بسته‌های خدمات پرستاری را به شکل درستی پوشش نمی‌دهند.

وی با بیان کرد: موضوع بعدی این است که حذف کارانه با اجرای ناصحیح تعرفه خدمات پرستاری همراه شد که این همراهی منجر به نارضایتی گسترده و مشکلات معیشتی پرستاران شد؛ خصوصاً در مناطق کم برخوردار این مشکل بیشتر بود؛ زیرا بسیاری از بیمارستان‌های ۳۲تخته که افتتاح شده‌اند زیان‌ده هستند و همین امر باعث کاهش ضریب اشغال تخت شده که این موضوع باعث کاهش درآمد پرستاران از محل کارانه می‌شود. در همین راستا پیشنهاد ما این است که در مناطق کم برخوردار برای جبران خدمات پرستاران تعرفه به صورت ۲کا و ۳کا محاسبه شود.

جهانپور تصریح کرد: موضوع بعدی بحث فوق العاده خاص است؛ یکی از اهداف و تلاش‌های ما این است که از محل درآمدهای اختصاصی و منابع داخلی وزارت بهداشت به پاس زحمات ارزشمند همه همکاران در نظام سلامت به‌ویژه همکارانی که در دوران کرونا جانفشانی کردند فوق العاده خاص برقرار شود. امروزه پرستاران عزیزی که در ایام کرونا جانفشانی کردند و نیروهای طرحی بودند با بی‌مهری کامل از دانشگاه‌های کشور به دلیل اتمام دوران طرح بعد از ۶۶ماه اخراج شدند و پیشنهاد ما این است که سقف ۶۶ماه در کل کشور با اولویت مناطق محروم برداشته شود؛ خصوصا تعداد افرادی که در دوران کرونا فعال بودند مشخص شود و بتوانند در قالب نیروی طرحی، شرکتی و قراردادی ادامه کار دهند. همچنین خواهش داریم که در قالب یک تبصره به مجلس شورای اسلامی ارائه شود که طرح ساماندهی کارکنان دولت برای نیروهایی که در ایام کرونا جانفشانی کردند لحاظ شود.

جهانپور همچنین در پایان درباره تربیت کمک پرستار تصریح کرد: درخواست تفویض اختیارات صدور پروانه صلاحیت حرفه‌ای به سازمان نظام پرستاری، کمک به بازسازی ساختمان ایرانشهر و اختصاص اعتباراتی برای بازسازی و واگذار کردن میزان تربیت کمک پرستار به هیئت مدیره‌های نظام پرستاری در سراسر کشور و براساس مصوبه شورای هماهنگی پرستاری هر دانشگاه و پیگیری پرداخت هدیه روز پرستار سال گذشته، از دیگر برنامه‌های ما است که امیدواریم به همت وزارت بهداشت تحقق یابد.

ایجاد تحول در صدور مجوز مراکز مشاوره

مدیرکل دفتر طرح‌های ملی و فراگیر جوانان وزارت ورزش و جوانان با بیان اینکه در حوزه صدور مجوز مراکز مشاوره، تحولی رقم خورده است، اعلام کرد که تا ابتدای سال ۱۴۰۰، به ۳۵۰ مرکز مشاوره مجوز داده بودیم، این در حالی است که از آن تاریخ تاکنون حدود ۳۷۰ مرکز، مجوز دریافت کرده‌اند.

مجتبی تاجیک در گفت‌وگو با ایسنا، درخصوص وجود همپوشانی برای صدور مجوز مراکز مشاوره توسط چند ارگان بیان کرد: سازمان بهزیستی، معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان و معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه سه مرجع در کشور هستند که مجوز مراکز مشاوره می‌دهند. سازمان نظام روانشناسی تلاش دارد با کمک علمی و بررسی صلاحیت داوطلبان، به این موضوع کمک کند. وی ادامه داد: در حال حاضر هماهنگی میان سازمان بهزیستی و معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان وجود دارد که بسته به موضوعات تخصصی، هرکدام جداگانه پیگیری می‌کنند؛ به طور مثال موضوعات مربوط به طلاق و آسیب‌ها در بهزیستی و موضوعات مربوط به ازدواج و همسان گزینی در معاونت جوانان دنبال شود و به همین نحو می‌توان موازی کاری در ارائه خدمات به جوانان و خانواده‌های کشور را اصلاح کنند.

مدیرکل دفتر طرح‌های ملی و فراگیر جوانان وزارت ورزش و جوانان افزود: در حوزه صدور مجوز مراکز مشاوره، تحولی رقم خورده است؛ از ابتدای تاریخ صدور مراکز مشاوره تا ابتدای سال ۱۴۰۰، به ۳۵۰ مرکز مشاوره مجوز داده بودیم اما از سال ۱۴۰۰ تاکنون حدود ۳۷۰ مرکز مشاوره مجوز دریافت کرده‌اند. از کلیه افراد واجد صلاحیت در این حوزه استفاده می‌کنیم چرا که معتقدیم گسترش مراکز مشاوره در سراسر کشور به طور محسوسی در کاهش طلاق و تحکیم بنیان خانواده موثر است. وی با بیان اینکه تلاش شده با همکاری درگاه ملی صدور مجوز، اقدامات خوبی صورت گیرد، از افرادی که مدارک و صلاحیت لازم را در این حوزه دارند دعوت به همکاری کرد و گفت که دارندگان مدارک معتبر و متناسب با حوزه روانشناسی و مشاوره می‌توانند در آزمون صلاحیت عینی شرکت کنند.

«رسالت» در روز درختکاری گزارش می‌دهد

درخت کاری بدون درخت داری ممنوع!

گروه اجتماعی

ادامه از صفحه اول

این مسئله محدود به جنگل‌ها نبوده است و مراتع نیز به‌سرعت در حال تخریب یا تغییر کاربری هستند. با این همه بی‌مهری که به منابع طبیعی روا داشته می‌شود، باید در روز درختکاری از مردم و حتی مسئولان خواست که حفظ درختان را در اولویت قرار دهند. چراکه با وجود این همه کاشت نهال تغییر محسوسی در پوشش درختی شهرها مشاهده نمی‌شود و به عکس هر سال از تعداد درختان کاسته شده و شهرهای ما از سبزی دور و دورتر شده‌اند.

کاشت درخت در کنار حفاظت مفهوم پیدا می‌کند

محمدمتینی‌زاده، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع ایران در این باره به «رسالت» می‌گوید: «آن زمان که روز درختکاری به‌عنوان سمبل و نماد در تاریخ فرهنگی کشور به ثبت رسید هدف توسعه برنامه‌های جنگل‌کاری و درختکاری از یک سو توجه مردم به کاشت درخت و اهمیت آن از سوی دیگر بوده است. آن زمان، نه به این معنا خبری از تغییر اقلیم بوده و نه از بین رفتن جنگل‌ها و منابع طبیعی این چنین گسترده بوده است. به هر روی در شرایط فعلی درختکاری بسیار اهمیت دارد، اما باید برنامه‌های بسیار منسجم، کلان و قاطعی در امر حفاظت طراحی و اجرا کرد. متأسفانه در این سال‌ها موضوع حفاظت بسیار ضعیف نگه داشته شده و برای این مسئله به‌درستی تلاش نشده و بودجه مناسبی نیز اختصاص نیافته است. در حالی که اگر به هر نقطه رویکی ایران زمین سفر کنید، می‌بینید که بسیاری از مناطق جنگلی و منابع طبیعی دستخوش تغییرات انسانی شده است. با مشاهده و بررسی جنگل‌های هیرکانی، بسیار متعجب می‌شویم از اینکه در بلندترین نقطه این جنگل‌ها، ویلاسازی و ساخت و ساز صورت گرفته و اساسا مشخص نیست این مجوزها توسط چه کسی و چگونه صادر می‌شود. روشن نیست اداره منابع طبیعی و کارشناسان ما کجایند و چرا برای مقابله با این مسئله کاری انجام نداده‌اند. از طرف دیگر، در جریان معدن کاوی کمترین توجه نسبت به حفاظت از منابع طبیعی صورت می‌پذیرد و این مصداق‌ها نشان دهنده حرکت به سمت توسعه است، اما توسعه‌ای که پایدار نیست. ما نمی‌گوییم در حوزه منابع طبیعی توسعه‌ای اتفاق نیفتد، چراکه این مهم، اصل و اساس است و باید به این سمت حرکت کرد، اما توسعه باید دارای عناصر و اجزای پایدار باشد و به موضوع حفاظت از منابع بی‌بدیل طبیعی لطمه‌ای وارد نکند. نباید به منابعی که برای یک یا دو نسل نیست، چوب حراج زد، این منابع متعلق به چندین نسلِ پس از ماست. با این سرعتی که مسیر را طی می‌کنیم، ظرف یکی دو دهه آینده خیلی از عناصر طبیعی‌مان را نخواهیم داشت. به عنوان مثال هشدار در مورد دریاچه ارومیه، ۲۰ سال پیش داده شد و در آن زمان، هیچ‌کس با آن حجم آب دریاچه تصور نمی‌کرد، این هشدارها درست باشد، ولی درست بود. بنابراین باید به توصیه واظهارات محققان و کارشناسان حوزه منابع طبیعی اعتماد کرد. اعلام خطرهایی که صورت می‌گیرد برپایه مطالعات علمی است. اگر در حال حاضر هشدار می‌دهیم که جنگل‌های هیرکانی، زاگرس و ایرانی- تورانی در معرض نابودی هستند، به این مفهوم است که در صورت بی‌توجهی به امر حفاظت، ظرف یک تا دو دهه آینده احتمال دارد چیزی از این جنگل‌ها باقی نماند.»

این عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع ایران در مقایسه ایران با سایر کشورهای جهان عنوان می‌کند: «سایر کشورها به حفاظت و کاشت درخت هم‌زمان توجه می‌کنند. کشور ما هم به شدت به کاشت و احیای درختان نیاز دارد، اما اصل اول، حفاظت است. اگر حفاظت به‌درستی صورت بگیرد، درکنار آن کاشت مفهوم پیدا می‌کند. این مسئله را باید به سمت فرهنگ عمومی هدایت کرد. اگر مسئله حفاظت جدی گرفته شود، بالطبع احیا و توسعه هم جدی گرفته می‌شود. اگر عزم ملی بر حفاظت معطوف باشد، آنگاه همه ما نهال‌های نوپا را آبیاری و مراقبت کرده و اجازه نمی‌دهیم به سادگی از بین بروند. بنابراین سرنوشت درختان را پس از کاشت باید دنبال کرد، نه اینکه آن‌ها را به حال خود رها کنیم. اینکه چه گونه‌ای و کجا بکاریم و چطور آن را مراقبت و نگهداری کنیم مهم است. ابتدا باید به مردم و مسئولان یادآوری کرد که حفظ درختان، در اولویت است، چیزی که تاکنون به آن کمتر توجه شده است. هرسال برای کاشت نهال‌هایی هزینه می‌شود که حفاظت نشده و به حال خود رها می‌شوند! کاشت نهال همانند تولد نوزاد است، طبیعتا پس از تولد نوزاد، نباید آن را رها کرد، چون نیاز به مراقبت و رسیدگی دارد.»

متینی‌زاده در خاتمه با اشاره به کاشت یک میلیارد درخت و اهمیت آن در شرایط فعلی کشور، خاطرنشان می‌کند: «هر برنامه احیا و توسعه‌ای ارزشمند است ولی اولویت نیست. اولویت اول، حفاظت است. اگر اصل حفاظت را انجام دادیم، اصل احیا و توسعه هم در کنار آن ارزشمند خواهد بود. موضوع کاشت یک میلیارد درخت هم چنانچه به شکل اساسی مورد حمایت قرار بگیرد و فقط به کاشت این تعداد درخت بسنده نشده و به امر حفاظت و نگهداری آن توجه شود، مؤثر خواهد بود. ما کشوری در حال توسعه هستیم و میزان بارندگی‌مان کم است و اکنون هم در دوره خشکسالی به سر می‌بریم، بنابراین موضوع حفاظت مهم است و باید بودجه را در وهله اول به این بخش اختصاص داد.»

از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹: کاهش روزانه ۵۰۰ هکتار از سطح جنگل‌ها و مراتع

هادی کیادلیری، دبیر سابق مراجع کنوانسیون تنوع زیستی نیز در گفت‌وگو با «رسالت» به این مهم اشاره دارد که «در قانون به ترتیب بر حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری تأکید شده است. بنابراین نخست باید آنچه کاشته‌ایم، حفظ و آنچه تخریب کرده‌ایم، احیا و بعد درختان را توسعه داد، این موضوع اهمیت حفاظت را نشان می‌دهد. درختکاری در ۱۵ اسفندماه جنبه نمادین و فرهنگ‌سازانه دارد، این در حالی است که تخریب و نابودی جنگل‌ها و مراتع کشور ادامه دارد. نباید به شکل شعارگونه بر درختکاری متمرکز بود و حفاظت را به دست فراموشی سپرد. کاشت درخت، در سطح وسیع بدون توجه به امر حفاظت و احیا توفیق و دستاوردی نخواهد داشت و صرفا هدر رفت بیت‌المال است. ما اصل منابع را نابود و یا در معرض نابودی قرار داده‌ایم. اگر اصل منابع طبیعی را حفظ می‌کردیم، و بعد توسعه می‌دادیم، کاملا پسندیده و قابل قبول بود. اما در چنین شرایطی که برای اجرای پروژه‌های متعدد کمر به نابودی منابع طبیعی بسته‌ایم، کاشت درخت در سطح وسیع، قابل پذیرش نیست و باید نخست حفاظت را در دستور کار قرار داد.»

کیادلیری با تأکید بر اینکه اغلب نهال‌های کاشته شده در ۱۵ اسفندماه از بین می‌روند، بیان می‌کند: «چنین روزی صرفا به جهت یادآوری برای حفظ و اهمیت درختان نامگذاری شده است و نباید یک روز در سال درخت بکاریم و مابقی روزهای سال در حال تخریب و نابودی منابع طبیعی باشیم. طی سال‌های اخیر کاشت درخت در ۱۵ اسفندماه به هیچ‌وجه نتوانسته جبران کننده آن حجم تخریبی باشد که صورت گرفته است. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ روزانه ۵۰۰ هکتار از سطح جنگل‌ها و مراتع کم شده، که آماری بسیار تکان دهنده است، آن هم منابع زیستگاهی با میلیون‌ها سال قدمت! طبیعتا با کاشت میلیاردها نهال هم نمی‌توان چنین زیان و خسرانی را پوشش داد و جبران کرد.»

محمد متینی‌زاده- عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع ایران: هرسال برای کاشت نهال‌هایی هزینه می‌شود که حفاظت نشده و به حال خود رها می‌شوند! کاشت نهال همانند تولد نوزاد است، طبیعتا پس از تولد نوزاد، نباید آن را رها کرد، چون نیاز به مراقبت و رسیدگی دارد.

هادی کیادلیری- دبیر سابق مراجع کنوانسیون تنوع زیستی: از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ روزانه ۵۰۰ هکتار از سطح جنگل‌ها و مراتع کم شده، که آماری بسیار تکان دهنده است، آن هم منابع زیستگاهی با میلیون‌ها سال قدمت! طبیعتا با کاشت میلیاردها نهال هم نمی‌توان چنین زیان و خسرانی را پوشش داد و جبران کرد.

عباس محمدی- فعال محیط زیست: سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌های ما، به عرصه‌های طبیعی به چشم اندوخته‌ای نگاه می‌کنند که باید به مصرف برسد، ما اکنون در حال مصرف منابع طبیعی هستیم، آن هم با شدتی که قابل جبران نیست

دبیر سابق مراجع کنوانسیون تنوع زیستی اظهار می‌کند: «عوامل تخریب منابع طبیعی گسترده است، جنگل‌ها و مراتع شمال کشور نیز سال‌هاست از طریق طرح‌های عمرانی و ویلاسازی‌های گسترده در حال تخریب و تغییر کاربری قرار دارند. مدتی قبل رسانه‌ها به نقل از سازمان املاک و مستغلات عنوان کردند طی سال‌های اخیر بیش از ۲۰ درصد اراضی جنگلی و کشاورزی استان گیلان و بالغ بر ۳۳ درصد مراتع و جنگل‌ها در مازندران به مناطق مسکونی تبدیل شدند. بیش از یک دهه است که ویلاسازی در استان‌های شمالی از کنار مناطق ساحلی به اعمال جنگل‌ها کشیده شده است. خلاء قانونی و ضعف نظارتی موجب شده دامنه جنگل‌خواری در شمال ایران روزبه‌روز گسترده‌تر شده و بکرترین نقاط جنگلی را نیز در معرض تخریب قرار دهد. البته طرح‌های دولتی نیز در روند تخریب جنگل‌ها نقش به‌سزایی داشتند. به گفته رئیس انجمن علمی جنگلبانی طرح نافرجام انتقال آب بین حوضه‌ای از شمال ایران یکی از اقدام‌های مخرب دولتی بود که در آن بین ۲۰ تا ۲۵ هزار درخت و نهال نابود شد.»

از نابودی نهالستان‌ها تا کاشت یک میلیارد درخت!

عباس محمدی از کنشگران و فعالان محیط زیست، همانند دبیر سابق مراجع کنوانسیون تنوع زیستی نگران است، نگرانی از بابت تخریب گسترده منابع طبیعی، و در این زمینه به «رسالت» می‌گوید: «هم حفاظت و هم کاشت درخت مهم است، اما شرایط کشور ما به نحوی است که نگهداشت جنگل‌ها و بیشه‌زارها مهم‌تر از کاشت درخت است. در چند سال اخیر با تخریب همه جانبه منابع طبیعی مواجه بوده‌ایم و مهم‌ترین دلیلش این است که سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌های ما، به عرصه‌های طبیعی به چشم اندوخته‌ای نگاه می‌کنند که باید به مصرف برسد، ما اکنون در حال مصرف منابع طبیعی هستیم، آن هم با شدتی که قابل جبران نیست. جامعه از نظر اقتصادی در شرایط نامناسبی قرار دارد و مردم نگرانی‌های اقتصادی عمیقی دارند، بنابراین کمتر کسی به فکر آینده و نگهداشت سرمایه‌های طبیعی است و اغلب به‌دنبال گذران زندگی هستند.»

این فعال محیط زیست با تأکید براینکه، درختان خشکیده هم برای کشور ما اهمیت دارد، عنوان می‌کند: «اگر این‌ها نباشند، خاک آن ماده آلی خودش را از دست می‌دهد. ضمن اینکه خیلی‌ها به درختان به‌ویژه در حوزه زاگرس عامدانه آسیب می‌رسانند، تا بخشکد و بعد به‌عنوان سوخت مصرف کنند. وقتی هنوز درگیر تأمین سوخت برای عشایر یا بسیاری از روستاییان هستیم و درختان باارزش چند صد ساله برای هیزم‌گیری از دست می‌رود، کاشتن درخت یا نهال بیشتر صرف هزینه و اقدامی نمایشی است. درختان ۲۰۰- ۳۰۰ ساله را به‌راحتی برای تهیه سوخت قطع کرده و از آن سوشروع به کاشت نهال‌هایی می‌کنند که سرنوشت نامشخصی دارد و حتی در برخی از بوستان‌های کشور، هتل می‌سازند. اقدامات این چنینی با کاشت درخت در تعارض و تناقض آشکار است. هم اکنون دور ضلع شمال شرقی پارک قیطریه که تاریخی و ارزشمند و دارای درختان کهنسال است، دیواره‌های آهنی کشیده و قصد ساختن مغازه دارند. این موضوع قابل هضم نیست که در یک باغ قدیمی، مغازه ساخته شود. در بسیاری از بوستان‌های شهری چه در پایتخت و چه در سایر شهرها، اول مکان‌هایی به‌عنوان چایخانه یا رستوران ساخته می‌شود و مدتی بعد با کشیدن دیواره‌ای به دور آن مغازه درست می‌کنند. در چنین شرایطی درختکاری بیشتر جنبه نمایشی پیدا می‌کند، حتی نمادین هم نیست. کار نمادین به مفهوم استمرار و تشویق دیگران برای نگهداشت و کاشت درخت است. اما در سال‌های اخیر کاشت درخت در ۱۵ اسفندماه به کاری نمایشی بدل شده و گویی رسالتی پشت آن نیست. لذا باید در این زمینه به شکل اساسی تجدید نظر کرد.»

ایران طی یک سال اخیر به جرگه کشورهایی پیوسته که بنا دارد در مقیاس میلیاردی درخت بکارد، موضوعی که محمدی با اظهار تردید نسبت به موفقیت آن می‌گوید: «مطابق وعده‌ای که مسئولان داده‌اند، با اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت، سه میلیون هکتار یعنی یک سوم جنگل‌های ایران احیا خواهد شد. آن هم در حالی که تقریبا هیچ کشوری در دنیا نتوانسته مدعی شود که با درختکاری جنگل‌هایش را احیا کرده است. از طرفی عرصه‌های جنگلی و پوشش گیاهی و مرتعی ما به شکل گسترده‌ای در معرض خطر و نابودی قرار دارد. علاوه بر این، نهالستان‌های منابع طبیعی هم در آستانه نابودی‌اند. بسیاری از نهالستان‌ها که برای توسعه جنگل‌کاری ایجاد شده، به علت کمبود منابع مالی، دارد از بین می‌رود و توان تولید خود را از دست داده‌اند. حتی چند نهالستان را هم در طرح مولدسازی برای فروش گذاشته‌اند، در چنین شرایطی صحبت از این است که یک میلیارد درخت بکاریم!»

هورالعظیم در معرض خشکیدگی!

پروژه میدان نفتی سهراب که از اواخر دهه هشتاد آغاز شده و تاکنون دو حلقه چاه نفتی در قلب تالاب هورالعظیم حفر کرده موجب شده است تا حیات این تالاب و به تبع آن مردمان این منطقه به مخاطره بیفتد. طی ماه‌های گذشته گزارش‌هایی مبنی بر تقاضای مجوز برای حفر حدود بیست حلقه چاه دیگر توسط شرکت مهندسی توسعه نفت منتشر شد.

در اردیبهشت ۱۴۰۲ و همزمان با سفر ابراهیم رئیسی به خوزستان عملیات اجرایی توسعه میدان مشترک نفتی سهراب آغاز شد، این در حالی بود که کارشناسان محیط زیست تاکید کرده بودند که وزارت نفت باید برای اجرای طرح توسعه میدان نفتی سهراب و حفر ۳۲ چاه جدید در محدوده تالاب هورالعظیم را هکار پیشنهادی اش را تغییر دهد و مانع خشکیدن بخش‌های باقیمانده این تالاب شود.

هورالعظیم یکی از بزرگ‌ترین تالاب‌های ایران و در مرز با عراق است. احداث چهار میدان نفتی با بیش از ۳۰۰ حلقه چاه نفت در سه دهه گذشته در قلب این تالاب به خشکاندن بخش گسترده‌ای از هورالعظیم منجر شده است و حالا حفر ۳۲ حلقه چاه دیگر بخش‌های باقیمانده این تالاب را نیز در معرض خشکیدگی قرار خواهد داد.

با این حال، توسعه میدان نفتی سهراب به دلیل اشتراک با کشور عراق برای دولت سیزدهم از اهمیت زیادی برخوردار است.

شرایط به صورتی است که با اجرای فاز اول این پروژه براساس روش فعلی مد نظر وزارت نفت یعنی استحصال خشکی و حفاری عمودی، نیاز به خشک کردن حداقل ۱۸ هکتار از تالاب هورالعظیم وجود دارد. تالابی که در شرایط کنونی بر اثر فعالیت‌های نفتی گسترده در چهار میدان نفتی اطراف آن و البته عدم تامین کافی حقابه توسط وزارت نیرو با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و حالا وزارت نفت به دنبال خشک کردن بخش‌هایی از آن است که در ورودی رودخانه کرخه قرار دارند و خشک کردن این بخش‌ها می‌تواند در بلندمدت به نابودی کل تالاب منجر شود.

به همین دلیل، مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست هنوز هیچ مجوزی برای اجرای طرح توسعه میدان سهراب صادر نکرده‌اند و تاکید دارند که پیش از اجرای هر پروژه نفتی جدیدی در محدوده هورالعظیم، باید مطالعات ارزیابی توان اکولوژیک تالاب انجام شود. البته در سال‌های قبل مجوز محیط زیستی حفر ۲ حلقه چاه در قالب ایجاد ۲ محوطه سرچاهی (پَد) در این میدان نفتی داده شده و در حال حاضر، مجری طرح توسعه میدان نفتی سهراب که یک شرکت خصوصی است که زیر نظر وزارت نفت فعالیت می‌کند، برای حفر ۲۰ حلقه چاه جدید در فاز اول و ۱۲ حلقه چاه دیگر در فاز دوم درخواست مجوز کرده است. با این وجود به نظر می‌رسد سیاست‌های کلی در این زمینه به سمتی در حال حرکت است که مخاطرات برای هورالعظیم روز به روز جدی‌تر می‌شود.

لیدا آشتیانی، پژوهشگر محیط زیست در گفت‌وگو با «رسانه مسئولیت اجتماعی» ضمن بررسی پیشینه این بحران زیست محیطی به مهم‌ترین مخاطرات احتمالی توسعه میدان نفتی سهراب نسبت به هورالعظیم اشاره می‌کند.

وی در این زمینه گفت: یک سوم تالاب هورالعظیم در ایران قرار دارد و دو سوم آن در کشور عراق است. این تالاب از زمان جنگ ایران و عراق به پنج حوضچه تقسیم شد. حوضچه شماره یک در شمالی‌ترین و حوضچه شماره پنج در جنوبی‌ترین قسمت تالاب قرار دارد. ساختار دینامیک و هیدرولوژیک این تالاب به این شکل است که این تالاب در ایران از رودخانه کرخه و در عراق از انشعابات رودخانه دجله آبگیری می‌شود. با این وجود در زمان جنگ ایران و عراق، ایران برای امنیت منطقه، یک سازه روی این منطقه ایجاد کرد و عراق نیز یک دژ در این منطقه ساخت و به همین دلیل بخش ایرانی و عراقی تالاب به صورت کامل از هم جدا شد. به همین دلیل در شرایط کنونی ما از بخش عراقی آبگیری نداریم و تنها تالاب از حوزه رودخانه کرخه آبگیری می‌شود.

وی ادامه داد: انشعابات کرخه وارد حوضچه شماره یک و سپس حوضچه شماره دو و سه می‌شوند و حوضچه‌های شماره چهار و پنج هیچ انشعابی از رودخانه کرخه ندارد. میادین نفتی شامل آزادگان، یاران و یادآوران در سال ۱۳۶۸ مستقر شدند که همگی نیز شمالی و جنوبی دارند. این میادین در حوضچه‌های شماره سه، چهار و پنج مستقر شده‌اند و به نسبت کمی از حوضچه شماره دو را نیز پوشش می‌دهند. به همین دلیل تخریب‌هایی که صورت می‌گیرد بیشتر به حوضچه‌های شماره سه و چهار و پنج ارتباط پیدا می‌کند. در شرایط کنونی و براساس تخریب‌ها و تغییرات اقلیمی که در این منطقه رخ داد حوضچه‌های شماره سه و چهار و پنج به صورت کامل از بین رفته و امروز به بیابان تبدیل شده است. تنها دو حوضچه شماره یک و دو هستند که در زمان‌های ترسالی از حوزه کرخه آب می‌گیرند.

این پژوهشگر محیط زیست تصریح کرد: از سال گذشته موضوع توسعه میدان نفتی سهراب مطرح شد که دقیقاً در قلب حوضچه شماره یک تالاب قرار می‌گیرد. این نقطه مکانی است که تالاب را زنده نگه داشته است. این میدان نفتی از ۲۲ چاه تشکیل شده که برای دو چاه و انشعابات لوله گذاری آن مجوز گرفته شده است. مسئله اصلی نیز درباره مجوز دادن به ۲۰ چاه دیگر است. این در حالی است که برای اولین بار مجوز فعالیت نفتی در این منطقه به یک شرکت خصوصی به نام شرکت نفتی دانا واگذار شده است. در گذشته مجوزها به چینی‌ها داده شده بود که براساس عملکرد آنها حوضچه‌های شماره سه و چهار و پنج خشک شدند و پس از مدتی نیز به دلایل امنیتی این واگذاری از چینی‌ها پس گرفته شد و به پیمانکاران دولتی واگذار شد.

آشتیانی خاطرنشان کرد: شرکت نفتی دانا مدعی است که نمی‌توان در محیط آبی پروژه‌های خود را به نتیجه برساند و می‌بایست ۶۹ هکتار از محیط تالاب را در اختیار بگیرد. این در حالی است که این ۶۹ هکتار دقیقاً همان محدوده حوضچه شماره یک است که از اهمیت زیادی برای زنده مانده تالاب برخوردار است. درخواست ۶۹ هکتار مورد موافقت قرار نگرفت و درنهایت به ۱۸ هکتار رسید. این در حالی است که متعلقاتی که این شرکت نفتی در این منطقه به کار خواهد برد بیشتر از ۱۸ هکتار خواهد بود و مساحت بیشتری را در بر می‌گیرد. واقعیت این است که در صورتی که حوضچه شماره یک تالاب که از کرخه آبگیری می‌کند توسط میدان نفتی سهراب تهدید شود که این اتفاق در حال رخ دادن است حوضچه شماره یک برای همیشه خشک خواهد شد و با خشک شدن حوضچه شماره یک تالاب هورالعظیم برای همیشه نابود خواهد شد و به بیابان تبدیل خواهد شد.

سمیه رفیعی، رئیس فراکسیون مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگو با «رسانه مسئولیت اجتماعی» گفت: تالاب هورالعظیم در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات اقلیمی و برخی سومدیریت‌ها با چالش‌های زیست محیطی جدی مواجه بوده و بخش‌های از این تالاب از بین رفته است. این در حالی است که بررسی گزارش ارزیابی زیست محیطی طرح توسعه میدان سهراب نشان می‌دهد که شرکت مجری طرح و وزارت نفت به ملاحظات محیط زیستی توجه کافی نداشته‌اند و با توجه به این که در شرایط کنونی نیز بخش‌های زیادی از هورالعظیم خشک شده است، نباید با اجرای پروژه‌های جدید به تسریع روند از بین رفتن این تالاب ارزشمند دامن زده شود.

رفیعی ادامه داد: به هر حال این پروژه برای دولت به دلیل مراودات اقتصادی با عراق حائز اهمیت است و من‌نیز به خوبی این موضوع را درک می‌کنیم. با این وجود اهمیت داشتن این پروژه نباید به آسیب رساندن به سرمایه‌های طبیعی و ملی ما منجر شود و در این زمینه باید تجدید نظر صورت بگیرد. حتی اگر دولت اصرار دارد که میدان نفتی سهراب را توسعه دهد این پروژه حتما باید به گونه‌ای اجرا شود که کمترین آسیب را به تالاب بزند و تا حد امکان باعث خشک شدن هیچ بخشی از هورالعظیم نشود. به همین دلیل است که بسیاری از کارشناسان برلزوم تغییر روش پیشنهاد شده توسط وزارت نفت برای طرح توسعه میدان سهراب تاکید دارند و معتقدند خشکاندن قسمت‌هایی از تالاب نمی‌تواند تنها روش فنی ممکن برای اجرای این طرح باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به شرایط موجود، ماجرای پروژه میانکاله این بار درباره تالاب هورالعظیم در حال تکرار است و اگر مسئولان مربوطه توسعه میدان نفتی سهراب را متوقف نکنند و یا در روند اجرای پروژه تجدید نظر نکنند این احتمال وجود دارد تالاب زیبای هورالعظیم برای همیشه از نقشه جغرافیای ایران حذف شود. درست مانند بسیاری از منابع طبیعی کشور که به دلیل سوء مدیریت ها برای همیشه به فراموشی سپرده شدند.